

سنت تدفین در عصر کالکولیتیک و مفرغ در پشت کوه (استان ایلام)

ابراهیم مرادی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی

مقدمه*

تا قبل از اعزام هیئت مشترک ایران و بلژیک تحت ریاست لوئی و اندنبرگ به پشت کوه، اطلاعات ما درباره تاریخ فرهنگ سرزمین پشت کوه منحصر به سفرهای پژوهشی خاورشناسان بزرگی همچون سر هنری راولینسون (۱۸۳۹)، لایارد (۱۸۴۰)، دومرگان (۱۸۹۱)، هرتسفلد (۱۹۰۵)، گروته (۱۹۰۷) و همچنین فریاستارک (۱۹۳۲ - ۱۹۳۱) بود.

پشت کوه اکنون استان ایلام نامیده می‌شود. این سرزمین کوهستانی شامل چندین کوه موازی است که در بین آنها دره‌های نسبتاً باریکی جای گرفته است. دشت‌های عمده این سرزمین شامل: ایوان چواروایلام در شمال غرب، شیروان چرداول و بدره در شمال شرق، میمه و صالح‌آباد در غرب و دره شهر و آبدانان در جنوب شرق می‌باشند.

تا به حال در مطالعات باستان‌شناسی دو منطقه پشت کوه و پیش کوه (به محوریت کبیرکوه) هر کدام اهمیت خود را داشته‌اند. هر چند در این تقسیمات مرزهای روشنی لحاظ نشده است با این وجود حفاری‌های مداوم پروفیسور واندنبرگ و همکاران گروه تحقیقاتی او اطلاعات بسیار



خوبی را برای باستان‌شناسان فراهم ساخت. واندنبرگ نشان داد که چگونه قبایل پشت کوه در سپیده دم تمدن برنز لرستان نقش مهمی در گسترش متالوژی داشته و چگونه در تدارک هنر فلزگری سهم بوده‌اند.

واندنبرگ در خلال سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ میلادی پانزده فصل عملیات کاوش را در پشت کوه سرپرستی کرد. او در بررسی گورهایی که هنوز محتویات آنها دست‌نخورده بود، موفق به حل مسائل متعددی در عصر کالکولیتیک (مس سنگی)، مفرغ و عصر آهن در پشت کوه گردید. همچنین در ارتباط با گاه‌نگاری محوطه و ساختار و شکل قبرهای کاوش شده اطلاعات مفیدی ارائه داد.

علاوه بر واندنبرگ باستان‌شناسان دیگری از جمله پاتریسیاتو (۱۳۵۶) و میرعابدین کابلی (۱۳۶۵) در قبرستان‌های متعلق به این دوره‌ها حفاری‌هایی انجام دادند. ولی این پروفیسور واندنبرگ بود که در طول چهارده سال تقریباً اغلب محوطه‌ها و قبرستان‌های باستانی ایلام را بررسی و کاوش کرد، قبور را طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری نمود و اشیاء به دست آمده را دقیقاً مورد مطالعه قرار داد. واندنبرگ، کتب و مقالات ارزنده‌ای را درباره نتایج پژوهش‌های میدانی خود چاپ و منتشر کرد.

مقاله حاضر به سنت تدفین در دوره‌های کالکولیتیک و مفرغ در استان ایلام اختصاص دارد. مهم‌ترین قبرستان‌های حفاری شده متعلق به این دوره‌ها که در ادبیات باستان‌شناسی از آنها به عنوان قبرستان‌های پشت کوه لرستان نام برده شده شامل قبرستان‌های دم‌گریرچینه و هکلان متعلق به عصر کالکولیتیک و قبرستان‌های بنی‌سرمه، میرخیر، کلن‌سار، کان، گنبد، ورکبود مهر و دار تنها متعلق به عصر مفرغ می‌باشند (در مورد قبرستان‌های عصر آهن) ر.ک: واندنبرگ: ۱۳۸۰، ۷۶- (۴۸).

اهمیت تدفین

انسان در عصر نوسنگی داخل روستاهایی که معمولاً از چینه و خشت خام ساخته می‌شدند زندگی می‌کرده است. در این دوره اجساد مردگان را به شیوه‌های مختلف در زیر خانه‌های



مسکونی یا بین آنها و معمولاً همراه با هدایایی دفن می‌کردند. موارد فراوانی از این نوع تدفین در مناطق مختلف به وسیله حفاری‌های باستان‌شناسی مشخص شده است که در این میان می‌توان به تپه علی‌کش در دهلران حدود (۷۵۰۰ تا ۵۶۰۰ ق.م) و تپه گوران در هلیلان حدود (۶۵۰۰ تا ۵۵۰۰ ق.م) اشاره کرد (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۸: ۲۶۰ و ۱۶۵). در ارتباط با دفن اجساد در زیر مناطق مسکونی نظریات مختلفی ارائه شده است. از جمله این نظریات باید به نظریه دکتر عباس علیزاده اشاره کرد که اعتقاد دارد «علت این شیوه از تدفین را باید در احساس مالکیت ساکنان یک روستا به قلمرو زیستی که در آن به سر می‌بردند دانست» (علیزاده، ۱۳۷۵: ۸-۴).

بعد از پایان دوران نوسنگی، دوره کالکولیتیک (مس و سنگ) و بعد از آن دوره مفرغ آغاز می‌گردد. با پایان یافتن دوران نوسنگی سنت تدفین اجساد در زیر خانه‌های مسکونی منسوخ و تدفین اجساد در داخل قبرستان‌هایی که بیرون از محوطه‌های مسکونی قرار داشتند، رواج پیدا کرد. در این زمان نیز همانند دوران نوسنگی همراه با اجساد تدفین شده، اشیائی را قرار می‌دادند که نسبت به دوره قبل، بیشتر، متنوع‌تر و با ارزش‌تر بودند.

بعضی از باستان‌شناسان بر این باورند که با استفاده از اشیای تدفینی می‌توان ساختار اجتماعی جوامع باستانی را بازسازی کرد، عده‌ای دیگر نیز اعتقاد دارند که تدفین ماهیتی جهان‌بینانه دارد و لذا ما را نه تنها از ساختار اجتماعی که از مسائل اعتقادی آن جوامع آگاه می‌سازد، در رابطه با فلسفه وجود اشیای تدفین در داخل قبور نظرات مختلفی وجود دارد. مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته حاکی از آن است که بعضی از مردم به این سبب اشیاء را در گور می‌نهادند تا متوفی به کمک آنها به زندگی پس از مرگ دست یابد یا در آنجا از آنها استفاده کند. اما این احتمال وجود دارد که این اشیاء بدهی‌هایی باشد که زندگان به مردگان پیشکش می‌کردند. این احتمال نیز وجود دارد که این اشیاء پیشکشی برای ایزدان باشند. از سوی دیگر شاید این اشیاء به نحوی موقعیت اجتماعی یا مال و منال صاحب قبور را نشان می‌دهد. این امکان نیز وجود دارد که این اشیاء یادگارهایی از افرادی باشد که در مراسم تدفین متوفی شرکت کرده‌اند (دراک، ۱۳۷۹: ۱۱۴-۱۱۱).



به‌هرحال ارائه این نظریات از مرحله حدس و گمان فراتر نمی‌رود و برای روشن شدن موضوع باید به مدارک علمی و حفاری‌های جدید آینده چشم دوخت

دوره کالکولیتیک (مس و سنگ)

دوره کالکولیتیک در زاگرس تقریباً یک دوره دوهزار و دویست ساله از حدود ۵۵۰۰ ق.م تا ۳۳۰۰ ق.م را شامل می‌شود. قبرستان‌های دم‌گرپرچینه و هکلان متعلق به این دوره هستند که در ذیل به‌صورت خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

قبرستان دم‌گرپرچینه

این قبرستان در ۴۰ کیلومتری جنوب دهکده سراب میمه و در چهار کیلومتری روستای چم‌زنگی در بخش زرین‌آباد پشت‌کوه واقع شده است (معتمدی، ۱۳۵۳: ۷۲).

حفاری در این قبرستان در سال ۱۹۷۳ و به سرپرستی لویی واندنبرگ انجام شد. در سطح قبرستان دم‌گرپرچینه دو ترانشه بزرگ به نام‌های A و B حفاری گردید. ۶۴ گور در ترانشه A و ۹۸ گور در ترانشه B به‌دست آمد (Vanden Berghe, 1975: 45). عمق این ترانشه‌ها از سطح زمین‌های اطراف تا روی قبور ۲۰ تا ۷۰ سانتی‌متر است. هر قبر از چهار دیوار سنگی خشکه چین و فاقد میل‌ات ترتیب یافته و معمولاً ۷۰ تا ۸۰ سانتی‌متر ارتفاع دارند. این سنگ‌ها را از بستر رودخانه میمه استخراج می‌کردند. (شکل شماره ۱). برای همواره ساختن روی دیوارهای جنبی و حد فاصل سنگ‌های بزرگ از یک ردیف قلوه‌سنگ‌های کوچک استفاده کرده‌اند و سپس سرپوش گور را برای استتار بر روی آنها ساخته‌اند. طول قسمت خارجی این قبرها ۲ تا ۲/۶ متر و عرضشان ۸۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر است. جهت قبور شمال شرقی - جنوب غربی است، با این وجود، تعدادی از آنها جهت مشخصی ندارند. اکثر آنها به شکل تنگ و کشیده ساخته شده‌اند. اما بعضی از قبرهای بخش B خیلی بزرگ و عریض هستند. در بخش A قبرها هر یک از دیگری مجزا می‌باشند. در حالی که قبور بخش B همگی در کنار هم هستند (Ibid, 1975: p. 46).



نحوه تدفین

تنها در چند قبر اسکلت‌ها یا تکه استخوان‌های سالمی وجود داشت. چگونگی تدفین بدین صورت است که اجساد به روی پشت خوابیده و پاها کشیده هستند. گورهای کوچک‌تر و کشیده مختص یک تدفین می‌باشند ولی بعضی از قبرهایی که در آنها تدفین‌های خانوادگی یا دسته‌جمعی مشاهده می‌شود، برای جا دادن دومین جسد، باقی‌مانده‌های اولین تدفین را در انتها و کناره قبر جمع کرده و تدفین‌های بعدی را انجام داده‌اند. گورهای ۸B یا ۷۲B به این شیوه هستند (Ibid:47). تعدادی از مجموعه‌ها با مته سوراخ شده بودند. در ۵ مجموعه، سوراخ‌هایی به قطر ۱/۵ تا ۲ سانتی‌متر حفر شده بود ولی نشانه دیگری از جراحی یا آسیب‌شناسی گزارش نشده است (هول، ۱۳۸۱: ۹۶).

اشیاء تدفین شده

تقریباً نیمی از قبور، خالی از اشیاء تدفینی هستند. گورهای دیگری نیز به‌طور کلی یک یا چند ظرف و به‌ندرت دست‌ساخته‌های دیگر در آنها قرار داشت. بین دو بخش حفاری شده دم‌گرپ‌چینه تفاوت‌هایی وجود دارد ولی تقریباً در چند قبر اشیاء بسیار زیادی کشف شد (هول، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۵).

اشیاء را بالای سر و در اطراف سینه و شکم اسکلت‌ها قرار داده‌اند. این اشیاء عبارتند از: ظروف سفالی (شکل شماره ۲)، ظروف سنگی، اشیاء سنگی، الهه‌های گلی، مهرها، تبر، گرز، مروارید، تیغه‌ها، وسایل کوبنده و ساینده‌ها (Vanden Berghe, 1975: 47). دو پیکرک از گل پخته شده یکی به شکل زن و دیگری به شکل گاو سفالین به‌دست آمده، پیکره زن یک الهه باروری را نشان می‌دهد که از قبر ۶۹B به‌دست آمده است (Vanden Berghe, 1975: 58).

کشف سر گرزها و اسکنه‌های کوچک تبر مانند، ممکن است حاکی از روحیات خصمانه باشد ولی این احتمال نیز وجود دارد که از گرز اغلب برای مقابله با جانوران درنده و از اسکنه برای تراشیدن چوب استفاده می‌شده است (هول، ۱۳۸۱: ۹۷).

روشن است که شمار کمی از گورها به جایگاه اجتماعی بالایی تعلق دارند. برای نمونه در گور ۷۲B، دو کوزه مرمین، یک کاسه سفالی پایه‌دار بزرگ، یک کاسه سفالی ساده و دو اسکنه



سنگی کوچک کشف شد. اندازه اشیای مکشوفه و این واقعیت که برخی از ظروف، سنگی بودند؛ این گور را از گورهای دیگر متمایز می‌سازد. ولی دلایل این غنای نسبی به هیچ‌وجه روشن نیست، زیرا ممکن است این گور مانند گورهای دیگر، برای بیش از یک بار تدفین استفاده شده باشد (همان، ۹۶).

نتیجه

دم گرپرچینه اولین قبرستان وسیع در غرب ایران است که در آن تدفین در زمینی جداگانه (خارج از منازل مسکونی) مرسوم شد و این بدین معنا است که قبل از دوره کالکولیتیک رسم تدفین مردگان در کف محوطه‌های مسکونی انجام می‌گرفت. در حقیقت نوع ساختار قبوری که در دم گرپرچینه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، قدیمی‌ترین نمونه‌ای است که از ایران و از بین‌النهرین می‌شناسیم. قبرستان دم گرپرچینه که متعلق به عصر کالکولیتیک است، در تاریخی بین هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم ق.م قرار می‌گیرد (Vanden Berghe, 1976: 166) و به عبارت دیگر بین تاریخ ۴۶۰۰ ق.م تا ۳۶۰۰ ق.م تاریخ‌گذاری می‌شود (عبدی، ۱۳۸۰: ۷۷).

قبرستان هکلان

گورستان هکلان در ۴۰ کیلومتری شمال گورستان دم گرپرچینه قرار دارد (عبدی، ۱۳۸۰: ۷۷). در هکلان ۳۶ گور با سرپوش سنگی بزرگ در دو ناحیه حفاری شده بود که در شمار زیادی از آنها دست‌سازهایی بیشتر از سفال منقوش کشف شد. به‌طور کلی همان نوع اشیاء موجود در پرچینه در هکلان نیز وجود دارد و برخی از ظروف این دو محوطه تقریباً مشابه هم هستند. به نظر می‌رسد پرچینه کمی پیش از هکلان برپا شده است ولی آنها برای مدتی هم‌زمان بودند و پس از آن فقط پرچینه برجای ماند (هول، ۱۳۸۱: ۹۶). از آنجا که گورستان هکلان شبیه به گورستان پرچینه می‌باشد از توضیح بیشتر در مورد این گورستان در اینجا خودداری می‌شود.

نتیجه

در هیچ‌یک از این دو گورستان اثری از روستای پیش از تاریخ به‌دست نیامده است. از این‌رو، تقریباً به یقین اجساد مدفون شده در این گورستان‌ها به دامداران کوچ‌نشین تعلق داشته‌اند (هول،



۱۳۸۱: ۹۴). دلایلی در دست است که این دو گورستان در قلمرو گروهی بودند. گذشته از شباهت‌های آشکار سفال‌ها، این واقعیت که هکلان در ارتفاع ۱۲۰۰ متری و پرچینه در ارتفاع ۹۰۰ متری از سطح دریا واقع شده‌اند، بیانگر این است که آنها در نزدیکی دو انتهای مسیر یک مهاجرت سالانه قرار داشتند. این بدان معنا نیست که شبانان نیمی از سال را در کنار یک از این دو قبرستان به سر می‌بردند، بلکه صرفاً گویای این است که قبرستان‌ها کاملاً نزدیک اردوگاه‌های تابستانی و زمستانی بودند تا بدین ترتیب دسترسی به آنها در این فصول امکان داشته باشد (همان، ص ۹۷-۹۶).

ارتباطی قوی بین اشیاء و مواد باستان‌شناسی قبرستان دم گرپرچینه و قبرستان هکلان وجود دارد، بنابراین دارای فرهنگ یکسان و گاه‌نگاری مشابهی هستند (Vanden Berghe, 1976: 166). هر دو قبرستان به دوره مس و سنگ میانه (کالکولیتیک) تعلق دارند. بخشی از دم گرپرچینه به دوره عبید ۴ و عبید پایانی (حدود ۴۲۰۰ تا ۳۶۰۰ ق.م) تاریخ‌گذاری شده‌اند (عبدی، ۱۳۸۰: ۷۷).

عصر مفرغ

بنا به عقیده ارنی هرینک، وقفه مهمی میان عصر کالکولیتیک میانه (قبرستان‌های دم گرپرچینه و هکلان) و اواخر هزاره چهارم ق.م وجود دارد. در حقیقت ما هیچ اطلاعی در مورد دوره اروک (در پشت‌کوه) نداریم (Haerinck, 1986: 56). دوره اروک و دوره پس از آن، در بین‌النهرین به دوره آغاز نگارش معروف است، زیرا اختراع خط در طول این دوره به وقوع پیوست و در پی آن پایه‌ریزی شهرها، هسته‌های سیاسی بین‌النهرین، یعنی دولت-شهرها آغاز گردید (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۵۶).

هرینک، اظهار می‌دارد آیا هیچ دلیل قابل قبولی برای عدم وجود آثار فرهنگی دوره اروک در پشت‌کوه وجود دارد؟ و برای پاسخ به این سؤال چندین فرضیه را مطرح می‌کند و می‌گوید: یکی از ساده‌ترین جواب‌ها این است که بگوییم، ما قبرستان‌های این دوره را پیدا نکرده‌ایم. برای مثال شاید در شیوه تدفین تغییری به وجود آمده باشد و مردگان را در گودال-گورهای ساده و بدون استفاده از هیچ تخته‌سنگی دفن می‌کردند که در این صورت مشکل است آنها را در آن سرزمین



پهناور پیدا کرد. از طرف دیگر شاید این منطقه در طول دورهٔ اروک متروک شده و به این علت با ظهور ایالت شهرها در بین‌النهرین، مردم جذب آنها شده‌اند. این فرضیه به‌وسیلهٔ مورتسنس برای درهٔ هلیلان پیشنهاد شده است. گرچه ممکن است این توضیح جالبی برای عدم وجود آثار دورهٔ اروک در پشت کوه باشد، اما توضیح نمی‌دهد چرا در طول دورهٔ آغاز نگارش یا دورهٔ جمدهت نصر، آنها دوباره به کوه‌ها بازگشته‌اند و چادر نشین شده‌اند. آیا آنها برگشته‌اند که چادر نشین شوند یا اینکه جمعیت دیگری به محل آمده است، اما از کجا؟ با اینکه این تنها وقفهٔ ساده‌ای در اطلاعات ما محسوب می‌شود؟ (Ibid: 56).

بعد از وقفهٔ مورد نظر هرینک، چندین قبرستان مربوط به عصر مفرغ در پشت کوه (ایلام) حفاری گردیده است که اکثراً به وسیلهٔ واندنبرگ حفاری شده‌اند. این قبرستان‌ها از لحاظ سنت تدفین و شکل قبور تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که در زیر به‌طور خلاصه و به‌صورت جداگانه به آنها اشاره می‌شود.

قبرستان بنی سرمه

این قبرستان در منطقهٔ چوار استان ایلام قرار دارد و در سال ۱۹۶۷ حفاری گردید. این قبرستان بر روی یک سطح وسیع که توسط فرورفتگی‌هایی قطع شده است، قرار دارد و چشم‌انداز سطح قبرستان به وسیلهٔ این فرورفتگی‌ها به سه منطقهٔ A، B و C تقسیم می‌شود. جز در گوشهٔ جنوب غربی ناحیهٔ A که یازده قبر در آن قرار دارد. سایر قبور به‌صورت پراکنده هستند و مساحتی در حدود ۵۱×۳۲ متر را اشغال کرده‌اند (Vanden Berghe, 1968: 54).

در قسمت شمال شرقی قبرستان، قبور در عمق ۱/۱۰ متری، ولی در قسمت غرب و جنوب، قبور روی سطح قرار دارند. هشت قبر در جهت شمال غربی به جنوب شرق و بقیه در جهت شمال-جنوب قرار گرفته‌اند. گورهای تدفینی بنی سرمه به‌طور غیر معمولی هستند، زیرا که در بعضی از کاوش‌ها طول آنها از ۸ تا ۱۶ متر، عرض آن از ۱/۷۰ تا ۳ متر و عمق آن از ۱/۵۰ تا ۲/۱۰ متر متفاوت بود. اتاق تدفین با تخته‌سنگ‌های بسیار بزرگ بسته شده بودند. بعضی از سنگ‌ها حدود ۶۰۰ کیلوگرم وزن داشتند (شکل شمارهٔ ۳). این قبور نشان می‌دهند که برای



تدفین خانوادگی یا به صورت جمعی و برای چندین بار استفاده شده‌اند (Vanden Berghe, 1968: 70).

کوچک‌ترین جزئیات با دقت بسیار در ساختار قبور حساب شده است. روی قبور پوشیده از قطعه سنگ‌های بزرگ است. دیوارها متشکل از قلوه‌سنگ‌های منظم و متراکمی است که به صورت ردیف‌های موازی با یکدیگر و افقی قرار گرفته‌اند. پایه دیواره قبور از یک سطح قلوه‌سنگ ضخیم‌تر و حجیم‌تر تشکیل شده و درزهای بین قطعه سنگ‌ها با سنگ‌ریزه‌های کوچک پر شده است. ردیف‌های دیوار در قسمت‌های بالا به تدریج بیرون آمده است و عرض بالای قبور را تنگ‌تر می‌کند (عرض قبور از ۱۶۰ متر در پایه به ۸۰ سانتی‌متر در دهانه می‌رسد). از ویژگی‌های این قبور وجود طاق قوسی است و یک ورودی که اغلب مجهز به یک پله است (Vanden Berghe, 1968: 54-55).

نحوه تدفین

این قبور محتوی چند جسد هستند ولی به دلیل قطعه‌های ناچیز استخوان‌ها نمی‌توان تعداد اسکلت‌ها را مشخص کرد. براساس ترکیب لوازم و اشیای قبور می‌توان فهمید که مرده‌ها را ملبس دفن کرده‌اند و لوازم شخصی آنها نیز در کنار جسد قرار دارد (Ibid: 65).

اشیاء تدفینی

در کنار مردان، تبر، خنجر، چاقو، سر نیزه، اسکنه، درفش و در کنار زنان، الگوهای زیبا، سنجاق‌های کنده‌کاری شده، دستبند و مویچ‌های فنی قرار می‌دادند. همچنین برای زنان و مردان، برای زندگی پس از مرگ، غذا و نوشیدنی‌های بسیار زیادی در ظروف قرار می‌دادند (Ibid: 56). قسمت مهم اشیای تدفینی را سفال تشکیل می‌دهد و شامل دو نوع، ظروف غذاخوری متداول و ظروف سفالی تکرنگ و رنگارنگ می‌باشند (شکل شماره ۴).

مشخصه و ویژگی قبرستان بنی‌سرمه وجود اشیاء مسی و برنزی است. اشیاء برنزی شامل تبرها، خنجرها، چاقوها و سایر اشیاء جنگی است. تبرهای حفره‌دار پیدا شده اغلب از انواعی هستند که در اواسط هزاره سوم در بین‌النهرین شناخته شده است (شکل شماره ۵). اشیاء زیتتی اغلب از مس و برنز ساخته شده‌اند و شامل دکمه لباس‌ها، انگشترها، رشته‌های مروارید مدور،



دستبندها و ... می‌باشند (شکل شماره ۶). نقره در انگشترها، مویچه‌ها و گوشواره‌ها به کار رفته است. ضمناً آنها از سنگ‌های دیگر مانند: لاجورد، عقیق، سنگ سلیمانی (نوعی سنگ مرمر)، کوارتز، بوکسیت، ابسیدن، کلسیت و آزوریت که با رشته‌های برنزی و نقره‌ای به هم وصل می‌شدند، استفاده می‌کردند. دستبندهای مرواریدی که با استفاده از فسیل‌های دریایی ساخته شده‌اند خاص این دوره از تمدن لرستان هستند.

چندین مهر استوانه‌ای از کلسیت و سرپانتین به دست آمد که اغلب دارای نقوش و تزئیناتی کاملاً انتزاعی دارای اشکال هندسی منظم، صحنه‌های جنگ حیوانات مانند شیر، پلنگ، گاوهای نر، اژدها و همین‌طور شخصیت‌هایی که جنبه افسانه‌ای دارند، هستند (Ibid: 62).

نتیجه

با مقایسه تبرهای حفره‌داری که پیدا شده‌اند و اغلب از انواعی هستند که در اواسط هزاره سوم در بین‌النهرین ساخته شده‌اند. همچنین تبرهای صاف، سرنیزه‌های حفره‌دار، چاقوها و خنجرهای ساده همزمان با دوره ایلام در شوش (D_{c-d}) و همزمان با سومر جدید در بین‌النهرین می‌باشند. بنابراین تاریخی که برای آنها می‌توان پیشنهاد کرد با توجه به مقایسه با بین‌النهرین ۲۶۰۰-۲۵۰۰ ق.م می‌باشد (Vanden Berghe, 1969: 171).

قبرستان کلنسار

این قبرستان در سمت چپ رودخانه کلارود در یک کیلومتری غرب دهکده چغا و در ۲۵ کیلومتری شمال غرب بنی‌سرمه روی یک فلات عریض قرار گرفته و به وسیله گورهایی به چهار قسمت مجزا تقسیم شده و آنها را مناطق A، B، C و D می‌نامیم.

روی هر یک از این چهار منطقه گورهای عظیم دسته‌جمعی به دست آمد و تنها در قسمت A علاوه بر گورهای دسته‌جمعی، قبور انفرادی نیز یافت شد (Vanden Berghe, 1970 a: 66). در کلنسار قبور دسته‌جمعی در اندازه‌های حیرت‌آور که اندازه برخی از آنها بیش از ۱۰ متر بود، به دست آمد (شکل شماره ۷).



این قبور شگفت‌آور مشابه قبور بنی‌سرمه است و در سنت تدفین می‌توان با بنی‌سرمه مقایسه و جزئیاتی را مشاهده کرد. دیواره این قبور از سنگ‌های بزرگ آهکی و به‌صورت چند ردیف موازی ساخته شده و با سنگ‌های بزرگی پوشیده شده‌اند. ساختار این نوع از قبور باستان‌شناسان را به یاد معبد‌های پوشیده که در عصر نوسنگی اروپا گسترش داشته‌اند، می‌اندازد.

نحوه تدفین

بعضی از قبور در کلن‌سار بلافاصله بعد از ساخت مورد استفاده قرار گرفته‌اند و فقط یک بار برای همیشه در آنها تدفین صورت گرفته است. بعضی دیگر از قبور بعد از اینکه در اولین تدفین، قبر بسته شده آنها را دوباره باز کرده و برای مدت طولانی مورد استفاده مجدد قرار داده‌اند. اشیاء تدفینی بعضی از قبور را به هنگام تدفین مجدد با احترام خاصی کنار گذاشته‌اند، اما اشیاء و لوازم بعضی از قبور را خراب کرده و یا از بین برده و یا غارت کرده‌اند (Vanden Berghe, 1971: 171).

اشیاء تدفینی

این اشیاء شامل سفال، ابزارهای جنگ و اسلحه از جنس مس و برنز، اشیاء زیتتی و چند مهر استوانه‌ای هستند. اسلحه‌ها و ابزارها در تدفین دوره اول (سومر قدیم و آغاز اکل) از نوع شناخته شده در بنی‌سرمه مانند تبرهای صاف، چاقوها، خنجرها، نیزه‌ها و درفش‌ها هستند. همچنین اشیاء تدفینی شامل سرسنجاق‌ها بودند که برای بستن لباس‌ها، کلاه و سرپوش مورد استفاده قرار می‌گرفتند و اکثراً مجهز به یک سوراخ برای عبور ریسمان یا حلقه ثابت در لباس بودند. ظروف برنزی با تکنیک چکش‌کاری ساخته شده و شامل جام‌ها، کاسه‌ها، فنجان‌های دسته‌دار و پیاله با دیوار مقعر بودند. همچنین چندین مهر استوانه‌ای که متعلق به دوره آکل است به‌دست آمد (شکل شماره ۸) (Ibid: 172).



گورهای انفرادی ترانشه A

در ترانشه A بیشتر قبور انفرادی در سطح قبرستان آشکار شده‌اند، ویژگی مشخصه این قبور اتاق مقبره است، که سه طرف آن با سنگ‌چینی محصور شده و قسمت چهارم آن (فقط جهت شمالی) که برای ورود تدفین‌های دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفت، باز بود (Ibid: 172).

اشیای تدفینی در گورهای انفرادی

گورهای انفرادی در بخش A، شمار مهمی از اشیاء برنزی و مسی را شامل می‌شدند که به آنها اشاره می‌کنیم. تبرهایی با تیغه کشیده (چنان‌که در گورهای دسته‌جمعی پیدا نشد)، همچنین تبرهایی با تیغه سخت‌تر و سنگین‌تر نیز به دست آمد. کلنگ‌هایی نیز به دست آمد که ویژگی برجسته‌ای دارند و از پهنا با یک قسمت برجسته تقویت شده‌اند و این نوع اشیاء نمی‌تواند اسلحه و ابزار باشند، چون کاملاً غیرقابل استفاده و احتمالاً نشانه‌های مذهبی یا نماد قدرت هستند. تمام خنجرها و چاقوها در گورهای انفرادی کلنساار داری یک ساقه باریک مجهز به میخ پرچ، مختص نگه داشتن دسته چوبی و استخوانی و حتی فلزی هستند.

اشیاء زینتی شامل سنجاق‌ها با مقطع مربع، آویزها، گوشواره‌ها و دستبندها هستند. همچنین به ظرف‌ها باید اشاره کرد. دو مهر استوانه‌ای که یکی مزین به یک باند موجدار و عقاب‌هایی با بال گشوده و دیگری یک درخت احاطه شده از پرندگان آبی است که هر دو مهر طرح‌هایشان استیریلیزه شده است (Vanden Berghe, 1970: 070).

نتیجه

تفاوت‌های مختلفی بین قبور انفرادی و جمعی از نظر ساختمان معماری و شیوه تدفین و اشیاء تدفینی وجود دارد. عقیده واندنبرگ بر این است که قبور فردی متعلق به مردم دیگری احتمالاً گوتی‌ها هستند که در کوره‌های این منطقه زندگی می‌کردند. تاریخ‌گذاری دقیق قبور انفرادی مشکل است، شاید همزمان با دوره آکد و شاید بخشی از سومر (۲۴۰۰-۲۱۰۰ ق.م) باشند (Vanden Berghe, 1973: 281).



ولی ارنی هرینک نظر متفاوتی دارد و قبرستان میرخیر و قسمت AI کلنسار را تا یک اندازه به افق فرهنگی همسانی نسبت می‌دهد و آنها را دقیقاً مشابه با دوره جمده نصر یا دوره آغاز ادبیات در بین‌النهرین می‌داند (Haerinc1, 1986: 59).
واندنبرگ گورهای جمعی به دست آمده از کلنسار را متعلق به قبایل عیلانی می‌داند که در نیمه اول هزاره سوم به سرزمین لرستان حمله‌ور شدند (Vanden Berghe, 1973: 28).

قبرستان کان گنبد

این قبرستان در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر ایلام و در مسیر راه ایلام به ارکواز ملکشاهی قرار دارد. قبرستان کان گنبد در دامنه یکی از پشته‌های کوه شاه نخجیر، از رشته‌کوه‌های فرعی کبیرکوه واقع شده است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۷۹).

این قبرستان در سال ۱۳۶۵ش توسط میرعابدین کابلی به مدت یک ماه حفاری گردید. پیش از آن در سال ۱۳۶۴ش آقایان فائق توحیدی و مرحوم علی‌محمد خلیلیان در یک حفاری نجات‌بخش دو قبر از آن را حفاری کرده بودند.

هیئت حفاری به سرپرستی کابلی گورهایی را در چند نقطه به دست آوردند که آنها را به کارگاه‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ نام‌گذاری کردند. کارگاه شماره ۱ در دامنه تپه و کنار چشمه قرار داشت. کارگاه شماره ۲ در ۵۰۰ متری شمال کارگاه ۱ و کارگاه شماره ۳ بر روی پشته واقع شده بود و کارگاه شماره ۴ در ۴۰۰ متری شرق کارگاه شماره ۱ قرار داشت. کارگاه شماره ۴ متعلق به هزاره اول قبل از میلاد و کارگاه شماره ۲ نیز حفاری مختصری در آن صورت گرفته که گزارش آن چاپ نشده است.

نحوه تدفین

در کارگاه شماره ۱، تعداد ۲۳ قبر و در کارگاه شماره ۳، تعداد ۴ قبر حفاری گردید. قبور دارای ابعاد متوسط ۲۰۶-۱۲۰ سانتی‌متر طول، ۱۷۰-۹۷ سانتی‌متر عرض و ۱۲۰-۳۰ سانتی‌متر عمق هستند و اکثراً در جهت شمال-جنوب قرار دارند و از سنگ ساخته شده‌اند. در گورها تدفین‌های متعددی صورت گرفته است. بعضی از اسکلت‌ها به صورت درازکش (طاق‌باز) بر شانه چپ، رو



به شرق، دست‌ها در جهت جلو صورت، سر در قسمت شمال و بعضی دیگر به شکل طاق‌باز ولی جمع شده، قرار داشتند (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۸۵-۱۸۱؛ کابلی، ۱۳۶۵).

اشیاء تدفینی

اشیاء تدفینی در کارگاه‌های شماره ۱ و ۳ شامل سفال‌های ساده و نقوش و ابزار فلزی مانند تبر و خنجر، اسکنه، النگو، انگشتر فلزی، حلقه‌ای برگ بیدی، قلاب حلقوی، درفش، میخ و تعدادی اشیاء سنگی و صدفی به دست آمد. دو عدد از تبرها بسیار خوش ساخت هستند و در ساختن آنها دقت و ظرافت به خرج رفته است. با توجه به اینکه وزن آنها حداکثر ۶۳۵/۷۷ و حداقل ۲۲۵ گرم است، احتمالاً یا نشان‌گر تجمل و ثروت صاحبانشان بوده یا جنبه تبرک و نذر داشته‌اند. همچنین یک عدد مهر استوانه‌ای به ارتفاع ۲۲ و قطر ۹ میلی‌متر به دست آمد که جنس آن از نوعی سنگ به رنگ خاکستری مایل به سبز است و بر روی آن نقش گاوی با شاخ‌های برافراشته که در جلوی درختی ایستاده، حک شده است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۸۷-۱۸۵؛ کابلی، ۱۳۶۵).

گورهای دو طبقه کان گنبد

تعداد ۴ قبر دو طبقه در کان گنبد به دست آمد. از این تعداد، دو قبر در سال ۱۳۶۴ ش و در یک حفاری نجات‌بخشی توسط فائق توحیدی و مرحوم علی‌محمد خلیلیان و دو گور دیگر شامل گورهای شماره ۵ و ۶ از کارگاه شماره ۱ توسط میرعایدین کابلی و در سال ۱۳۶۵ حفاری گردید.

برای ایجاد طبقه دوم، در حاشیه دیوارهای طبقه پایین ستون‌هایی به ارتفاع ۳۰ تا ۳۵ سانتی‌متر بر کف قبر استوار و با استفاده از تخته‌سنگ، طبقه بالا را از طبقه پایین جدا کرده و سپس جسد و تعدادی اشیاء سفالی در کف طبقه بالا قرار داده‌اند (شکل شماره ۹). این قبر با دیواره‌هایی از سنگ‌چین خشکه و بدون ملات از نوع سنگ‌های مطبق و با گنبد ضریبی شکلی به صورت فیلپوش ساخته شده‌اند. بنا بر عقیده حفار استفاده از این تکنیک (پوشش گنبدی قبور) در این دوره، قدمت طاق‌زنی در تاریخ معماری ایران را صدها سال به عقب می‌برد. اشیاء به دست آمده از این قبور، همانند گورهای یک طبقه بود (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۲۷-۲۶).



نتیجه

بررسی نتایج کاوش‌های باستانی در لرستان و ایلام نشان می‌دهد که فقط آثار به‌دست آمده از قبرستان بنی‌سرمه از هر جهت با اشیاء مکشوفه در قبرستان کان گنبد قابل مقایسه هستند. با استناد به تاریخ‌گذاری آثار گورستان بنی‌سرمه که با روش کربن ۱۴ صورت گرفته است، برای قبرستان کان گنبد نیز قدمتی بین ۲۶۰۰ - ۲۵۰۰ ق.م می‌توان تعیین کرد (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۲۴؛ کابلی، ۱۳۶۵).

قبرستان ورکبود مهر

این قبرستان در ۲ کیلومتری جنوب شرقی مهر در بخش ارکواز ملکشاهی و در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی جنوب ایلام و در ارتفاع ۱۳۱۰ متری از سطح دریا قرار دارد (Vanden Berghe, 1970: 18). این قبرستان شامل سه لایه (A.B.C) است.
 لایه A: مربوط به دوره ساسانی با ۳۰ سانتی‌متر ضخامت؛
 لایه B: یک لایه از بقایا و آوار ضخیم با حدود ۶۰ سانتی‌متر ضخامت؛
 لایه C: مربوط به عصر مفرغ قدیم با حدود ۴۰ سانتی‌متر ضخامت (Vanden Berghe, 1972: 8).

نحوه تدفین

تعداد ۹ قبر به‌صورت علمی از این قبرستان حفاری شده و تعدادی نیز به‌صورت غیر قانونی گشوده شده‌اند. در این قبرستان تنها دو گور دسته‌جمعی دیده می‌شود که در اینجا به ذکر مشخصات اولین قبر که به‌صورت دسته‌جمعی بوده اشاره می‌شود (شکل شماره ۱۰). جهت این قبر از شرق به غرب می‌باشد. ابعاد بیرونی آن به طول ۹/۵ متر و عرض ۴/۵ متر، ابعاد داخلی آن به طول ۶/۸ متر و عرض ۱/۶۰ متر است. این قبر از سنگ‌فرش‌های عظیم تراشیده نامنظم پوشیده شده و درزهای آن با استفاده از سنگ‌ریزه‌های کوچک پر شده‌اند. دیواره‌های قبر از قلوه‌سنگ‌های بزرگ آهکی و در لایه‌های موازی و افقی ساخته شده‌اند. ردیف اول دیواره قبر در خاک زمین کوبیده شده است. دیواره‌های قبر به تدریج در بالا به هم نزدیک می‌شوند به‌طوری‌که عرض قبر



در پایین حدود ۲ متر و در بالا نزدیک سقف حدود ۸۵ سانتی متر است. (Vanden Berghe, 1972: 3-8).

اشیاء تدفینی

اشیاء تدفینی صاحب گور، اساساً شامل سفال می شود. این سفالها بیشتر منقوش هستند و با استفاده از نقوش هندسی تزئین شده اند.

نتیجه

این قبرستان در دوره ساسانیان نیز مورد استفاده مجدد قرار گرفته و گورهای متعلق به دوره ساسانی از این محل به دست آمده است که در اینجا از ذکر جزئیات آثار دوره ساسانی خودداری می گردد. لایه C قبرستان ورکبود مهر متعلق به عصر قدیم مفرغ است. بنا بر عقیده حفار، کشف این قبرستان نتایجی که در قبرستان کلنساار به دست آمده را تأیید می نماید (Vanden Berghe, 1972: 12-13).

گورستان دارتنها

این گورستان در ۲ کیلومتری چشمه زمزم و در نزدیکی دهکده جابر در بخش بدره واقع در پشت کوه مرکزی قرار گرفته است. گورستان دارتنها توسط لوئی واندنبرگ حفاری گردید و تعداد دور گور به دست آمد.

نحوه تدفین

جهت اولین گور از شمال به جنوب غرب بود. ابعاد بیرونی آن به طول ۷/۷۰ متر و عرض ۳ متر و ابعاد داخلی آن به طول ۶/۱۰ و عرض ۱/۳۵ متر است. این گور ۱/۷۰ متر عمق دارد. اتاق مقبره از ۴ ردیف تخته سنگ ساخته شده و با ۱۰ ردیف تخته سنگ پوشیده شده است. کف مقبره از خاک کوبیده تشکیل شده است. این گور به صورت دو طبقه بوده که در هر دو طبقه آن تدفین صورت گرفته است و طبقه پایین از طبقه بالا با استفاده از تخته سنگ های پهن بزرگ جدا شده است (شکل شماره ۱۱). در این گورها، لایه ها و قشرها به مفهوم حقیقی وجود ندارد. همه جسد های مدفون در این گور با لوازم و اشیاء تدفینی، خاک شده اند.



اشیاء تدفینی

اشیاء تدفینی متنوع بوده و شامل ابزارآلات و لوازم مربوط به اسب، لوازم آئینی، اشیاء زینتی و تزئینی، ظروف سفالی، ظروف فلزی و ابزار فلزی و اشیاء سنگی می‌باشد. اشیاء برنزی شامل نوک پیکان و زوبین، مجسمه گراز، چاقوهایی با دسته برنزی و کنده‌کاری شده، تبر، دستبند، لوله‌ای و اشیائی نیز از جنس نقره، سرب، سنگ عمیق و چماق به‌دست آمد (شکل شماره ۱۲).

گراز برنزی به‌دست آمده در نوع خود منحصر به فرد است. این گراز به ارتفاع ۴ سانتی‌متر، طول ۶ سانتی‌متر و ضخامت بدنه آن ۳/۴ سانتی‌متر است. روش ساخت آن کاملاً رئالیستی است (Vanden Berghe, 1972: 23-31).

نتیجه

گور شماره ۱ دارتن‌ها از نوع گورهای با سقف شیروانی است. هرینک این گور را همزمان با دوره II سلسله قدیم و آغاز دوره III جدید در بین‌النهرین تاریخ‌گذاری کرده است (Haerinck, 1972: 23-31).

نتیجه نهایی

انسان‌های اولیه در غارها زندگی می‌کردند و معمولاً اجساد را در داخل غارها دفن می‌کردند. از حدود دوازده هزار سال قبل به بعد، انسان به تدریج به زندگی یکجانشینی روی آورد و اجساد خود را در کف منازل مسکونی یا بین آنها دفن می‌کرد. در اواسط هزاره ششم ق.م و با شروع عصر کالکولیتیک سنت تدفین در خارج از منطقه مسکونی جایگزین تدفین در زیر منازل مسکونی گردید. قبرستان‌های دم‌گیرچینه و هکلان واقع در کنار رودخانه میمه در پشت‌کوه (استان ایلام) متعلق به این دوره هستند. نحوه تدفین در این دو قبرستان بدین صورت است که اجساد را به روی پشت خوابیده و پاها به‌صورت کشیده شده هستند. بعضی قبرها به‌صورت انفرادی و بعضی‌ها به‌صورت جمعی و یا برای چندمین بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اشیاء تدفینی را بالای سر و در اطراف سینه و شکم اسکلت‌ها قرار داده‌اند. تاکنون اثری از محوطه



مسکونی صاحبان این دو قبرستان به دست نیامده است، از این رو اغلب باستان‌شناسان بر این نظرند که این قبرها به دامداران کوچ‌نشین تعلق داشته‌اند. چنین به نظر می‌رسد، که از لحاظ زمانی وقفه‌ای کوتاه بین عصر کالکولیتیک و دوره آغاز نگارش اواخر هزاره چهارم ق.م در منطقه پشت کوه وجود داشته است زیرا هنوز قبرستان و یا آثار دیگری که بتواند خلاء بین این دو دوره - که در بین‌النهرین به دوره اروک معروف است - را پوشش دهد، به دست نیامده است. همین مسئله باعث شده است که بعضی از باستان‌شناسان همانند مورتسن فکر کنند که مردم پشت کوه در این دوره برای مدتی به ایالت - شهرهای بین‌النهرین و خوزستان که در این زمان شکل گرفته و به یک ثروت و رفاه نسبی رسیده بودند، مهاجرت کرده‌اند و به زندگی شهرنشینی روی آورده‌اند. ولی این باستان‌شناسان توضیح نمی‌دهند که چرا مردم پشت کوه در دوره آغاز نگارش و عصر مفرغ دوباره به این منطقه بازگشتند و به جای پیشرفت باز به زندگی کوچ‌نشینی روی آوردند.

قبرستان‌هایی متعلق به این دوره (عصر مفرغ) در پشت کوه حفاری شده است، از جمله این قبرستان‌ها می‌توان به بنی‌سرمه، کل‌نسا، میرخیر، ورکبود مهر، کان‌کبود و دارتن‌ها اشاره کرد. قبرستان‌های ذکر شده از لحاظ تدفین، اشیاء تدفینی و شکل قبور تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و باستان‌شناسان با توجه به همین تفاوت‌ها این قبرستان‌ها را طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری کرده‌اند. در این دوره همانند دوره قبل دیواره و پوشش گورها را از سنگ می‌ساختند. قبرها هم به صورت انفرادی و هم به صورت خانوادگی و جمعی که برای چند سال مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ساخته می‌شدند. بعضی از گورها در کان گنبد و دارتن‌ها به صورت دو طبقه ساخته شده‌اند. هرچند که اشیاء متنوع و فراوانی در داخل قبرستان‌های این دوره به دست آمده ولی مشخصه و ویژگی عمده آنها وجود اشیاء مسی و برنزی است.

نکته جالب توجه در مورد اشیاء تدفینی قبرها این است که هرچند بعضی از قبرها چندین بار مورد استفاده قرار گرفته و تدفین مجدد در آنها صورت گرفته ولی اشیاء تدفین‌های قبلی مورد تعرض قرار نگرفته بلکه آنها را به کناری زده و تدفین بعدی را انجام داده‌اند و این خود نشان از احترام به افراد تدفین شده قبلی دارد.



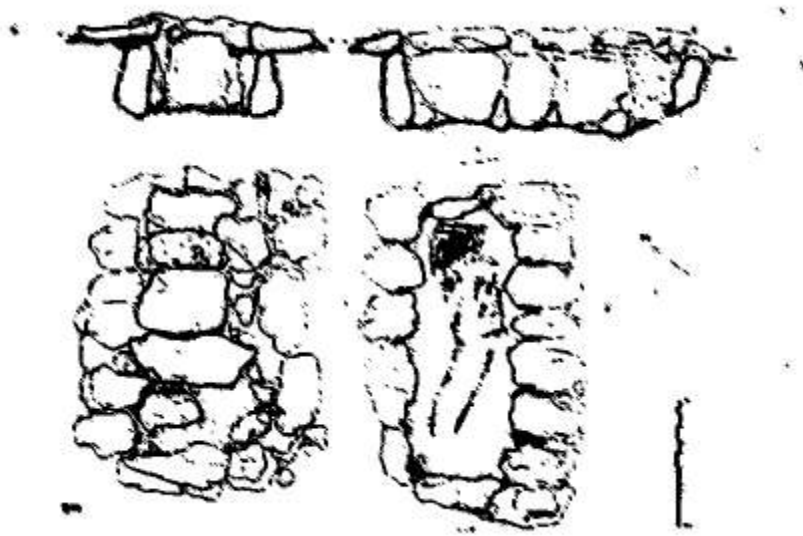
به‌هر حال امروزه باستان‌شناسان معتقدند، صاحبان قبرستان‌های این دوره در پشت‌کوه، همانند دوره قبل افرادی دامدار و کوچ‌نشین بوده‌اند. اگرچه این نظر با توجه به زندگی مردم منطقه در طی چند سده اخیر که بنا به دلایل مختلف به‌صورت دامداری و کوچ‌نشینی زندگی کرده‌اند درست می‌نماید، ولی باید گفت که شاید مدارکی دال بر یکجانشینی این مردم در آن دوره وجود داشته که حفاری‌های محدود باستان‌شناسی تاکنون این اجازه را به ما نداده است که به آن مدارک دست پیدا کنیم. با این وجود تا به‌دست آمدن مدارک احتمالی باید همان نظریه دامداری و کوچ‌نشینی مردم پشت‌کوه در آن دوره را بپذیریم.

* نگارنده لازم می‌داند از همکاری صمیمانه و سخاوتمندانه آقایان احمد پرویز و مصطفی عبداللهی کمال تشکر را داشته باشد.

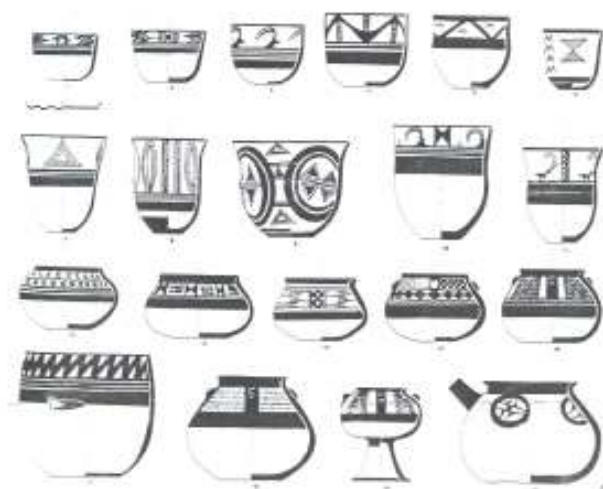
منابع

- افشار سیستانی، ایرج، *ایلام و تمدن دیرینه آن*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
- دارک، کن. آر.، *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- عبداللهی، مصطفی، *فرهنگ تدفین در لرستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- عبدی، کامیار، «کاوش در لرستان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره پیاپی ۲۹ و ۳۰، ۱۳۸۰، ص ۷۸-۷۶.
- علیزاده، عباس، «نیاکان من در اینجا دفن شده‌اند»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره ۲۰، ۱۳۷۶، ص ۸-۴.
- کابلی، میرعابدین، «گزارش حفاری کان گنبد»، گزارش منتشر نشده در بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۶۵.
- مجیدزاده، یوسف، *تاریخ تمدن بین‌النهرین (هنر معماری)*، جلد سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
- معتمدی، نصرت‌الله، «تمدن هزاره پنجم لرستان»، *نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان*، شماره ۱۳، ۱۳۵۳، ص ۷۲.
- ملک شهمیرزادی، صادق، *ایران در پیش از تاریخ*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.
- واندنبرگ، لویی، «آیین تدفین در عصر آهن III در پشت‌کوه، قبرستان‌های نوع ورکبود»، ترجمه ابراهیم مرادی و مصطفی عبداللهی، *مجله فرهنگ ایلام*، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۰، ص ۷۶-۴۸.
- هول، فرانک، *باستان‌شناسی غرب ایران*، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- Haerinck, Ernie, "The chronology of Luristan, pusht-I kuh in the late fourth and first Half of the Third Millennium B.C.", paper presented at the C.N.R.S Colloquium La Prehistoire de La Mosopotamie Du Vleme Millenaire av.J.c.17-19 Dec.1984, Paris.
- Vanden Berghe, louis, "La necropole de Bani Surmah". *Auroure Dune Civilisation du Bronze*, Archeologia, 24:53-6-3, 1968.
- _____, "Bani Surmah, Iran", 7:170-171, 1969.
- _____, "La necropole de Kalleh Nisar", *Archeologia*, 32:64-73, 1970a.
- _____, "Luristan: prospections Archeologieques Dans La region de Badr", *Archeologia*, 36:10-21, 1970b.

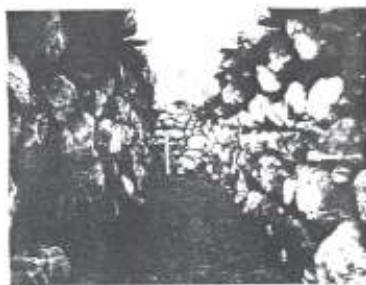
- _____, "Kalleh Nisa", Iran 9:170-172, 1971.
- _____, "Reseaches Archeologiques Dans Le Luristan. Cinqueeme Campagne": 1969, prospections Dans Le pusht-I Kun Central (Repport preliminire) Iranica Antiqua.9:1-48, 1972.
- _____, "Excavations in luristan Kalleh Nisar". Bulletin of the Asia Institute, 3: 25-26, 1973.
- _____, "Fouilles Au Lurstan: La Necropole De Dom Gar parcineh Inproceedings Of The IIIrd Annual Symposiium on Archaeological Reseach in Iran" 1974, Edited By Firouz Bagherzadeh, p. 45-62, Tehran: Iranian Center For Archaeological Resech.
- _____, "Srvey Of Excavation in Iran 1974-75": pusht-I Kuh L uristan, Iran,14: 164-166.



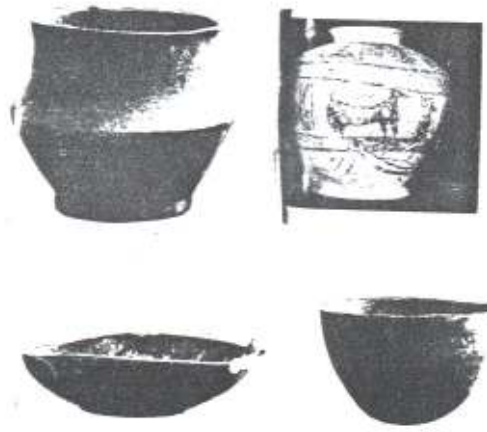
شکل شماره ۱: طرح گوری همراه نوع تدفین آن به دست آمده از دمگر پرچینه



شکل شماره ۲: ظروف سفالی به دست آمده از دمگر پرچینه



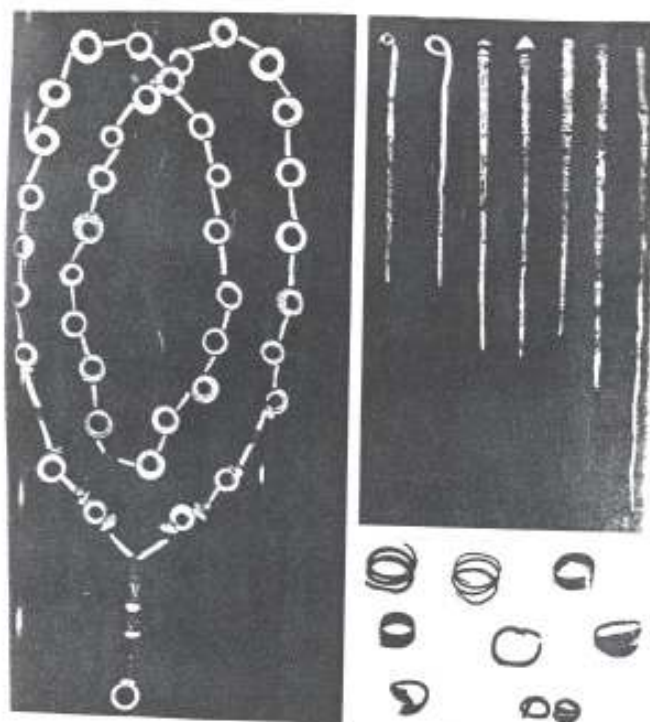
شکل شماره ۳: ساختار یکی از قبور کاوش شده در بنی سرمه



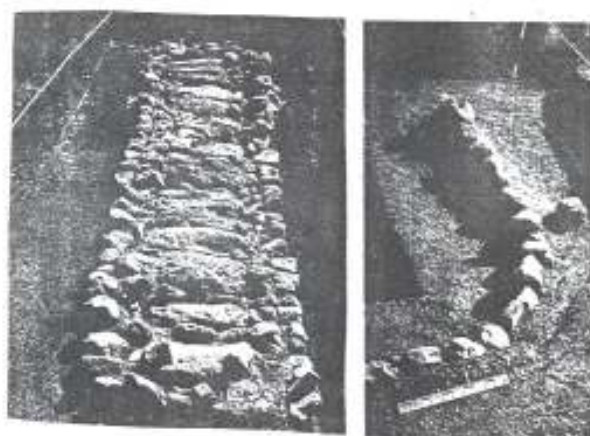
شکل شماره ۴: ظروف سفالی به دست آمده از بنی سرمه



شکل شماره ۵: اشیاء جنگی و ابزارآلات به دست آمده از بنی سرمه



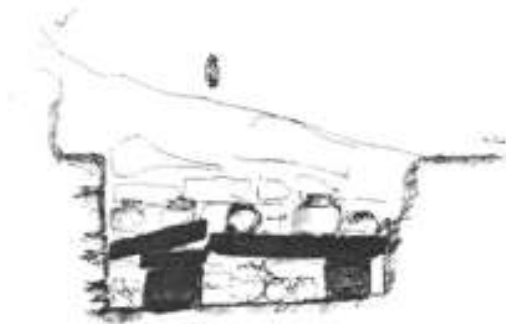
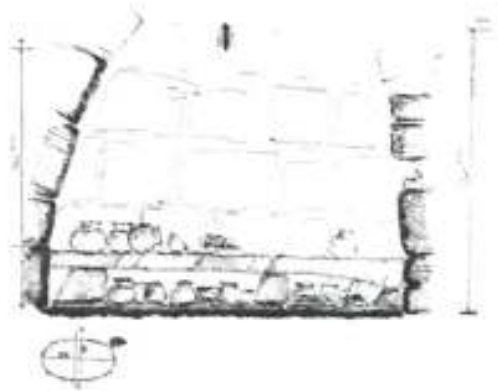
شکل شماره ۶: انواع اشیاء زینتی به‌دست آمده از بنی‌سرمه



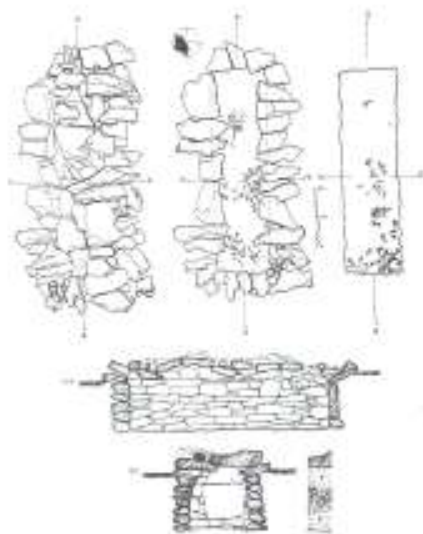
شکل شماره ۷: ساختار گور شماره ۲ ترانشه D با دیوار سنگی آن از کل‌نسار



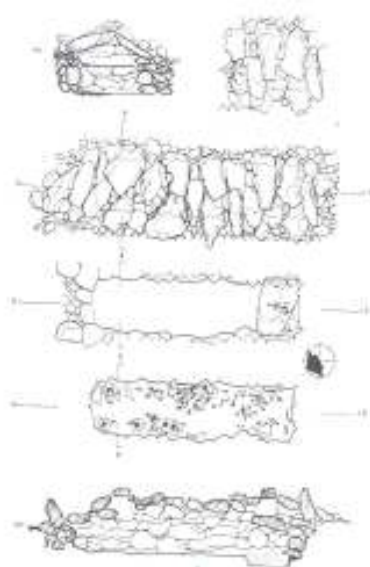
شکل شماره ۸: اثر مهر استوانه‌ای به دست آمده از کل نسا



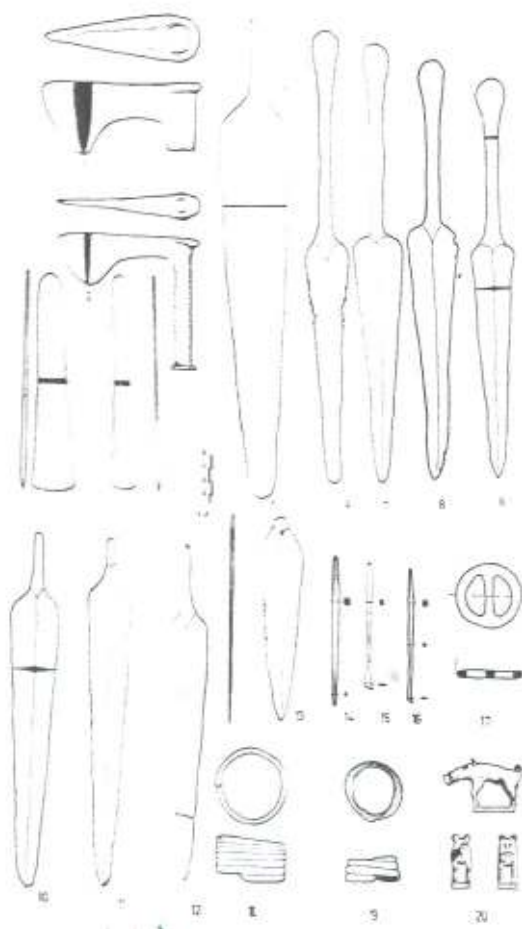
شکل شماره ۹: برش عرضی گور دو طبقه کانگنبد



شکل شماره ۱۰: ساختار گور شماره ۱ و رکبود مهر



شکل شماره ۱۱: ساختار گور شماره ۱ در دارتن‌ها



شکل شماره ۱۲: اشیاء تدفینی به دست آمده از گور شماره ۱ داتن‌ها